



The Right to a Child's Name in Iranian and American Law

Mahdi Mollaei¹

DOI:

10.30497/flj.2025.247280.2106



Abstract

In the jurisprudential–legal framework of family law, the right to name a child is entrusted to the parents, while the child also enjoys several entitlements concerning their name. A “name” is a multifaceted phenomenon encompassing cultural, historical, political, psychological, sociological, and legal dimensions, and in certain contexts—such as trade names—it carries economic implications that have evolved over time. Since the philosophy of law aims to regulate social phenomena, any legislative intervention regarding names inevitably affects these dimensions. Despite the significance of this issue, comprehensive research remains scarce, which highlights the necessity of the present study. Adopting a hermeneutic and comparative method with reference to American law, this research investigates the scope of a child's rights to a name. These rights include the right to choose a name, the right to an appropriate name, the right to a similar name, the right to register a name, the right to change a name, and the right to publicize a name. Both parents and discerning minors are entitled to exercise these rights. However, judicial practice in this area remains inconsistent, while existing legislation is fragmented and insufficient. Accordingly, it is recommended that legislators explicitly recognize these rights in civil registration, civil, and family protection laws, while also designating the competent authority for their enforcement. Furthermore, the Law on the Protection of Children and Adolescents should clearly identify the criminal dimensions of violations in this regard.

Keywords: right to a name; Iranian civil law; American civil law; child identity.

1. Assistant Professor, Department of Economics, Shahrud University of Technology, Shahrud, Semnan. Iran.
Mahdi.Mollaie@shahroodut.ac.ir

حق بر نام کودک در حقوق ایران و آمریکا

مهدی ملائی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۸/۲۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۱۵

Doi: 10.30497/flj.2025.247280.2106

چکیده

در نظام فقهی حقوقی خانواده، حق نام‌گذاری کودکان به والدین کودک اعطا شده و کودک نیز حقوق متعددی بر نام خود دارد. «نام» یک پدیده چند وجهی فرهنگی، تاریخی، سیاسی، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و حقوقی است و گاهی در مقولاتی نظیر نام تجاری، آثار اقتصادی نیز دارد که در طول زمان متحول شده است. با عنایت به فلسفه حقوق که نظم بخشی به پدیده‌هاست، هر نوع قاعده‌گذاری درخصوص نام‌ها، وجوه فوق را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به رغم اهمیت آثار فوق، تاکنون مطالعات جامعی در این خصوص صورت نگرفته است که ضرورت پژوهش حاضر را مضاعف می‌کند. سؤال اصلی آن است که دامنه «حقوق بر نام» کودک تا کجاست و چگونه حقوق فوق، استیفاء و تضمین می‌شود؟ نگارنده ضمن استفاده از روش هرمنوتیک به این باور رسیده است که دامنه حقوق بر نام کودکان گسترده است و حق انتخاب نام، حق داشتن نام مناسب، حق داشتن نام مشابه، حق ثبت نام، حق تغییر نام و حق تبلیغ نام، بخشی از مصادیق آن است. به نظر می‌رسد اولیای کودک و کودک ممیز، حق استیفاءی حقوق فوق را دارند؛ لیکن رویه قضایی در این خصوص منسجم نیست و نظام قانونی نیز، ناقص و مجمل است و نیاز به اصلاح دارد. پیشنهاد می‌شود قانونگذار در قوانین ثبت احوال یا مدنی یا حمایت خانواده، به طور صریح حقوق مزبور را به رسمیت بشناسد و مقام صالح برای استیفاء و دیگر تشریفات آن را مشخص کند و در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، مصادیق مجرمانه آن را تبیین کند. نگارنده دو ماده پیشنهادی را جهت تصویب مطرح کرده است.

کلیدواژه‌ها: حق بر نام، حقوق مدنی ایران، حقوق مدنی آمریکا، هویت کودک.

۱. استادیار گروه اقتصاد دانشگاه صنعتی شاهرود، شاهرود، سمنان، ایران. Mahdi.Mollaie@shahroodut.ac.ir

مقدمه

نام اهمیت زیادی دارد و به طور مستقیم بر رشد هویت و احساس به خود و تعلق کودکان تأثیر می‌گذارد. احساس به خود و احساس تعلق در کودکان بسیار مهم است؛ زیرا این عناصر تأثیرات پایداری بر رفاه و شکوفایی آنان دارند. نام‌ها فقط خطوطی در بالای کاغذ نیستند، بلکه آن‌ها یک هویت، احساس تعلق، تاریخ غنی و یک فرهنگ هستند. نام‌ها نخستین نشانه‌ای هستند که هویت یک شخص چیست (معینی‌فر، ۱۳۹۱، ص ۱۱۷). نام مفاهیم گسترده‌تری مانند عدالت، تنوع و برابری را در دل خود دارد. والدین و دیگر اشخاص به کودکان اطمینان می‌دهند که نام، داستان و فرهنگ آن‌ها مهم است و شایسته دیده شدن و تجلیل است (De La Peña, 2024, p 41).

در متون فقهی نیز به نام اهمیت زیادی داده شده است. طبق آیه ۳۱ سوره بقره، پروردگار همه نام‌ها را به حضرت آدم (ع) آموخت (طبری، ۱۴۱۲ ق، ج ۱، ص ۳۰۹). مطابق روایات، حضرت آدم (ع) فرزندان را از روز نخست تولد نام‌گذاری کرد. در ذیل آیات ۲۷ تا ۳۱ مائده، روایاتی وجود دارد که به اسامی فرزندان این پیامبر تصریح شده است. این مسئله نشان می‌دهد که فرهنگ نام‌گذاری کودک از زمان نخستین مولود انسان بر روی زمین سابقه داشته است. خداوند از قول حنه همسر عمران فرموده: «وَإِنِّي سَمَّيْتُهَا مَرْيَمَ» (آل عمران، ۳۶)؛ یعنی من او را مریم نام گذاردم. نام‌ها از اشخاص هم فراتر رفته است و امروزه برای هویت بخشی موجودات و متمایز کردن پدیده‌ها، نامی را برمی‌گزینند. رسول خدا (ص) فرمود: «کودکان سَقَط شده خود را نیز نام‌گذاری کنید؛ زیرا آنان پیشاهنگان شما به‌سوی بهشت هستند» (متقی، ۱۴۰۹ ق، ج ۱۶، ص ۴۲۰).

در نظام حقوقی خانواده، نام بخش مهمی از اوصاف شخصیت و معرف هویت فرد است (اسدی، ۱۳۸۷، ص ۲۶)؛ در نتیجه مهم و ضروری است که قواعد آن تبیین شود. در اینجا چند سؤال اساسی مطرح می‌شود: چه حقوقی بر نام کودک مترتب است؟ این حقوق چگونه و توسط چه کسی استیفا می‌شود؟ نظام قانونی و قضایی کشور تا چه میزان این حقوق را تضمین کرده است؟ تعارض حقوق عمومی و خصوصی در خصوص نام‌ها چگونه مرتفع می‌شود؟

حقیقت آن است که «نام» یک پدیده چند وجهی فرهنگی، تاریخی، سیاسی، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، معنوی، شرعی، حقوقی و اقتصادی است که در طول زمان متحول شده، و تکامل یافته است. با عنایت به فلسفه حقوق که نظم‌بخشی به پدیده‌هاست، هر نوع قاعده‌گذاری درخصوص نام‌ها، وجوه فوق تحت‌تأثیر قرار می‌گیرد. به رغم مراتب فوق و اهمیت آثار نام، تاکنون پژوهش‌های جامع در این خصوص صورت نگرفته است که ضرورت تحقیق حاضر را مضاعف می‌کند. نگارنده در مقام فرضیه معتقد هست حقوق متعددی بر نام مترتب است؛ از قبیل: حق تعیین نام، حق نام مناسب، حق مشابهت نام، حق ثبت نام، حق تغییر نام و حق تبلیغ نام، و اولیای کودک و خود وی به شرحی که در این تحقیق می‌آید، حق استیفای حقوق مذکور را دارند. نظام قانونی درخصوص حقوق نام مجمل است و نیاز به اصلاح دارد و رویه قضایی نیز منسجم نیست و تشتت آرا وجود دارد. نام به رغم ماهیت خصوصی که دارد، با مقوله نظم عمومی نیز مرتبط است؛ از این رو ضروری است بین هر دو مقوله توازن برقرار شود.

از نظر پیشینه تحقیق تا جایی که نگارنده تفحص کرده، در نظام حقوقی ایران مطالعات جامعی صورت نگرفته و صرفاً به صورت بخشی و جزئی، برخی از حقوق نام مانند حق تغییر نام بررسی شده است. در فقه نیز باب مستقلی به حقوق نام اختصاص داده نشده است؛ ولی در حقوق برخی از کشورها مانند آمریکا، مطالعات بیشتری صورت گرفته است. تبیین نظام‌مند «حقوق بر نام» برای نخستین بار، استفاده از روش ترکیبی تحلیل مضمون و هرمنوتیک و تطبیق با نظام حقوقی آمریکا، از نوآوری‌های پژوهش حاضر است.

مفهوم‌شناسی مصطلحات

- نام

نام در لغت لفظی است که بدان کسی یا چیزی را بخوانند (دهخدا، ۱۳۶۷، ج ۱۴، ص ۱۱۱۴) و مترادف آن شهرت، آوازه، صورت ظاهر، نشان (معین، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۱۹۰۴)، لقب، کنیه و اسم است (عمید، ۱۳۷۵، ص ۱۰۰۹). نام، اصطلاحی است برای شناسایی هر چیزی و لزوماً برای یک شیء واحد نیست و ممکن است به هویت و شناسایی دسته‌ای از

اشیاء اشاره داشته باشد. نام شخصی برای هویت بخشی به یک انسان است و در فرهنگ‌های مختلف، ساختاری متفاوت دارد و در ایران متشکل از نام و نام خانوادگی است (حلبی، ۱۳۶۶، ص ۸۷). نام ممکن است تجاری باشد و برای اهداف اقتصادی از استفاده شود که به آن شهرت تجاری یا برند نیز گفته می‌شود.

- حق

حق در لغت به معنای راست، درست، ثابت، واجب، عدل، یقین، انصاف، نصیب، بهره و ضد باطل است (معین، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۵۹۶) و در اصطلاح، اختیاری است که طبیعت، قانون، یا عرف به کسی داده است (عمید، ۱۳۷۵، ص ۴۵۸). از نظر علم حقوق «حق» اختیار، امتیاز، قدرت یا استیلائی است که قانون برای شخص حقیقی یا حقوقی به رسمیت می‌شناسد و به او اعطاء می‌کند و دیگران مکلف‌اند این اختیار و امتیاز را محترم بشمارند. در برابر هر حق، تکلیفی قرار دارد (سنه‌وری، ۱۳۹۱، ص ۱۴). حق دارای ضمانت اجراست و تخلف و اخلال در آن ممنوع، و مورد حمایت قانون است (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۶، ص ۱۶). حق گاه موجب استیلائی دارنده حق بر یک شیء یا مال معین است که آن را حق شخصی نامند و گاه باعث ایجاد تعهد و التزام شخص دیگری در برابر دارنده حق می‌شود که آن را حق دینی یا ذمی می‌گویند. حق رابطه‌ای اعتباری بین دارنده و موضوع حق است (کاتوزیان، ۱۳۸۳، ص ۲۶). حقوق بر نام، امتیازات و اختیاراتی است که هر شخص به سبب نام خود از آن برخوردار می‌شود.

روش‌شناسی

در پژوهش حاضر، برای تفسیر داده‌ها از روش‌های تطبیق، توصیف، تحلیل مضمون و هرمنوتیک استفاده شده است. هرمنوتیک نوعی روش‌شناسی تفسیری است که قصد دارد تفسیر تمام اعمال معنی‌دار اشخاص و برآیند رفتارهای مذکور را به ویژه زمانی که در قالب متن می‌آید، روشن کند. علم مذکور به «فرایند فهم» می‌پردازد و نحوه دریافت مفهوم از پدیده‌های گوناگون از قبیل گفتار و اعمال و آثار نوشتاری و هنری را بررسی می‌کند. این دانش با نقد روش‌شناسی مصمم است روشی را جهت «فهم بهتر» پدیده‌ها ارائه دهد. به نظر

می‌رسد معنایی غایی و فهمی نهایی از هر پدیده وجود دارد. مفسر باید ضمن شناخت آن پدیده، با تحلیل نشانه‌های مختلف و اصلاح روش تفسیر تلاش کند تا به آن مفهوم نهایی نائل شود (احمدی، ۱۳۸۹، ص ۵۳۵). در اینجا کشف مفهوم و مصادیق نهایی «حقوق بر نام» با لحاظ تغییر و تحول شرایط جامعه مد نظر است. هرمنوتیک رویکردهای مختلفی دارد. در رویکرد عینیت‌گرایی، وجود معنای ثابت و تغییرناپذیر، اصلی اساسی است. در هرمنوتیک قصدگرایی اسکینر، بازسازی زمینه‌ها به منظور کشف قصد اشخاص نقش بنیادین دارند (Mahmoud Panahi, 2015, p 159). تحلیل مضمون راهبردی توصیفی جهت یافتن الگوها از درون مجموعه داده‌های کیفی، از جمله قواعد فقهی و حقوقی است (Given, 2008, p867).

۱. حقوق بر نام کودک در نظام حقوقی ایران

حقوق بر نام در نظام فقهی و حقوقی ایران، دارای مصادیق متعددی مانند حق انتخاب نام، حق داشتن نام مناسب، حق شباهت نام و حق انحصار نام خانوادگی، حق ثبت نام، حق نگارش و قرائت صحیح نام، حق تغییر نام، حق بازگشت به نام، حق تبلیغات نام و حق انتقال نام است، که در ادامه بررسی می‌شود.

۱-۱. حق انتخاب و داشتن نام و نام خانوادگی و مناسب بودن آن‌ها

داشتن نام، حقی بنیادین و اساسی است که مورد تأیید همه نظامات حقوقی و ماده ۷ کنوانسیون حقوق کودک واقع شده است (عباسی، ۱۳۸۹، ص ۱۰۷). در نظام فقهی نیز بر این مسئله تأکید شده است. امام علی (ع) می‌فرماید: «فرزندان خود را قبل از تولدشان نام‌گذاری کنید» (حر عاملی، ۱۴۱۴ ق، ج ۱۵، ص ۱۲۱). در حدیثی از امام صادق (ع) آمده است: «کودک، روز هفتم تولد نام‌گذاری می‌شود» (طبرسی، ۱۳۷۰، ص ۲۲۷). به دلالت بند ۲ ماده ۱۳ قانون ثبت احوال، هر کودکی حق دارد نامی داشته باشد. این حق به دلیل نداشتن اهلیت استیفای طفل در بدو تولد، توسط والدینش اعمال می‌شود. براساس ماده ۲۰ قانون مذکور، حق انتخاب نام با اعلام‌کننده ولادت است و اعلام‌کننده ولادت وفق ماده ۱۶ همان قانون، به ترتیب پدر یا جد پدری، مادر، وصی، قیم، امین و مسئول و سازمان‌های قانونی نگهداری طفل یا خود طفل بعد از رسیدن به سن ۱۸ سال است. به دلالت تبصره ۳ ماده ۲۰

قانون فوق، انتخاب نام دربارهٔ اقلیت‌های دینی شناخته شده در قانون اساسی تابع زبان و فرهنگ دینی آنان است. علاوه بر داشتن حق نام، طبق مادهٔ ۹۹۷ قانون مدنی، حق داشتن نام خانوادگی انحصاری نیز برای افراد شناسایی شده است.

کودک نه تنها حق دارد نام و نام خانوادگی داشته باشد، بلکه باید نام مذکور از منظر جنسیت، عرف و سلیقهٔ خودش مناسب باشد. پیامبر اکرم ۲ در این خصوص می‌فرماید: «حق کودک بر پدرش سه چیز است: نخست آنکه نام نیکو برای او انتخاب کند...» (طبرسی، ۱۳۷۰، ص ۲۲۰). مطابق روایتی از امام کاظم (ع)، نخستین نیکی مرد به کودکش، انتخاب نام نیکو برای اوست (حرعاملی، ۱۴۱۴ ق، ج ۱۵، ص ۱۲۲). همچنین پیامبر اکرم ۲ فرمود: «نخستین بخشش و عنایت هرکس به فرزندش، انتخاب نام است، پس باید نام نیکو برای او انتخاب کند» (متقی، ۱۴۰۹ ق، ج ۱۶، ص ۴۲۳). به موجب مادهٔ ۲۰ قانون ثبت احوال، عناوین، القاب و نام‌های زننده و مستهجن یا نامی که با جنسیت کودک تناسبی ندارد، ممنوع است. قرآن کریم هم از چنین نام‌هایی نهی کرده است. مطابق تبصرهٔ ۲ مادهٔ فوق، تشخیص نام‌های ممنوع با شورای عالی ثبت احوال است. گاهی افرادی برای انتخاب نام فرزند خود نام‌هایی را درخواست می‌کنند که در لیست نام‌گذاری ثبت احوال نیست. براساس مصوبهٔ شمارهٔ ۵۷/۱ سال ۱۳۸۷ شورای عالی ثبت احوال، مرجع رسیدگی به نام‌های جدید «کمیتهٔ مشورتی نام» سازمان ثبت احوال است. در کمیتهٔ نام ثبت احوال که براساس مصوبهٔ شورای عالی فرهنگی تشکیل شده است و در آن دو استاد دانشگاه با تخصص دکترای ادبیات فارسی و ادبیات عرب، دو نماینده از فرهنگستان ادب و سه متخصص از سازمان ثبت احوال حضور دارند، نام درخواست شده بررسی می‌شود و در صورت تأیید می‌تواند استفاده بشود. همچنین به موجب قانون ممنوعیت به‌کارگیری اسامی، عناوین و اصطلاحات بیگانه و آیین‌نامهٔ آن، استفاده از اسامی بیگانه برای نام‌گذاری ممنوع است. در نظام حقوقی ایران، برای نام‌گذاری کودک از یک نام ساده یا مرکب که عرفاً یک نام به شمار می‌رود، استفاده می‌شود.

۲-۱. حق شباهت نام و حق انحصار نام خانوادگی

کودک نه تنها حق دارد نامی داشته باشد و آن نام، مناسب باشد، بلکه حق دارد نامی مشابه

افراد دیگر انتخاب کند و نام کوچک انتخاب شده دیگران، حقی انحصاری برای آنان ایجاد نمی‌کند. با وجود این، مطابق دستورالعمل، نام شورای عالی ثبت احوال، یکسان بودن نام فرزند با پدر و مادر در یک خانواده و یکسان بودن نام برادران و خواهران در یک خانواده ممنوع هست (تیموری، ۱۳۹۶، ص ۳۵). ظاهراً این مقرر برای حفظ نظم عمومی وضع شده؛ اما با حق آزادی افراد در انتخاب نام مشابه در تعارض است. افزون بر آن، در متون فقهی و سیره هم مواردی یافت می‌شود که اسامی افراد داخل یک خانواده مشابه بوده است. مطابق روایتی از امام حسین (ع) آمده است: «اگر برای من صد پسر متولد شود، دوست دارم نام همه آنان را علی بگذارم» (کلینی، ۱۴۰۷، ق، ج ۶، ص ۱۹). برخی از امامان نیز نام خود را بر فرزند خود نهاده‌اند؛ مانند امام حسن (ع) که نام فرزندش را حسن (مثنی) نهاد. نام خانوادگی برخلاف نام، حقی انحصاری است و به استناد بند ۴ دستورالعمل اجرایی نام خانوادگی شماره ۵۴/ش/۴ مصوب شورای عالی ثبت احوال، دارنده حق تقدم نام خانوادگی، شخصی است که برای نخستین بار در قلمرو اداره ثبت احوال، نام خانوادگی به نام او ثبت شده است (قندالی، ۱۳۹۷، ص ۲۴). ملاک تشخیص، تاریخ صدور سند سجلی است. مطابق بند ۱۰ دستورالعمل فوق، «دارنده یا دارندگان حق تقدم می‌توانند به طور فردی یا جمعی، علیه کسی که نام خانوادگی آنان را بدون اجازه اتخاذ کرده است، در دادگاه اقامه دعوی کنند و در حدود قوانین مربوط، تغییر نام خانوادگی غاصب را بخواهند».

۳-۱. حق ثبت نام و نام خانوادگی

پس از انتخاب نامی مناسب یا مشابه برای کودک، کودک حق دارد نام و نام خانوادگی خود را ثبت کند. به موجب ماده ۳ قانون ثبت احوال، «ولادت واقع در ایران توسط مأمور ثبت احوال و ولادت واقع در خارج، توسط مأموران کنسولی ایران در دفتر ثبت کل وقایع ثبت شده و مشخصات کامل کودک از جمله نام وی در این سند ثبت می‌گردد.» برای ثبت تولد کودک لازم است گواهی از طرف بیمارستانی که طفل در آنجا به دنیا آمده است، صادر شود. به موجب ماده ۱۵ قانون فوق، در صورتی که کودک در شرایط دیگری به دنیا آمده باشد، برای مثال در خانه متولد شده باشد، ثبت تولد باید مستند به تأیید پزشک یا مامای رسمی یا مؤسسه‌ای که کودک

در آنجا متولد شده باشد؛ در غیر این صورت، واقعه تولد با تأیید دو نفر شاهد ثبت می‌شود. عدم ثبت یا تحریف آن یا گواهی خلاف واقع تخلف محسوب می‌شود و مجازات دارد. طبق ماده ۳ قانون تخلفات، جرائم و مجازات‌هایی که در زمینه اسناد سجلی و شناسنامه است، «در جرم عدم ثبت تولد، مجرم علاوه بر الزام به انجام تکالیف قانونی، به پرداخت جزای نقدی محکوم شده و در صورت تکرار، به حداکثر مجازات محکوم خواهند شد» (پروین، ۱۳۸۹، ص ۴۱). طبق قانون مجازات اسلامی نیز برای جعل گواهی تولد و همچنین استفاده از گواهی تولد جعلی مجازات پیش‌بینی شده است. به موجب ماده ۵۳۶ قانون مجازات اسلامی، «هرکس در اسناد غیررسمی از قبیل گواهی ولادت کودکان مرتکب جعل شود، یا با علم از جعلی بودن گواهی مذکور، از آن استفاده کند، علاوه بر الزام به جبران خسارات وارد شده، به حبس از شش ماه تا دو سال یا جزای نقدی از سه تا دوازده میلیون ریال محکوم می‌شود». علاوه بر این، به موجب ماده ۲ قانون تخلفات، جرایم و مجازات‌های مربوط به اسناد سجلی و شناسنامه، «اشخاصی که در اعلام ولادت کودک بر خلاف واقع اظهار نظر کنند؛ ماما یا پزشکی که درباره ولادت، گواهی خلاف واقع صادر کند و افرادی که درباره ولادت دیگران، شهادت دروغ بدهند و شهادت مذکور، در ثبت وقایع ولادت مؤثر واقع شود، به مجازات حبس از ۹۱ روز تا یک سال یا پرداخت جزای نقدی یا هر دو مجازات محکوم می‌شوند» (معارف، ۱۳۸۹، ص ۵۲).

۴-۱. حق نگارش و قرائت صحیح نام و نام خانوادگی

کودک نه تنها حق دارد نام و نام خانوادگی مناسب و ثبت شده داشته باشد، بلکه حق دارد نگارش و قرائت صحیح نام و نام خانوادگی خود را مطالبه کند. رسول خدا (ص) در این خصوص می‌فرماید: «کسی که شخصی را به غیر نام خودش صدا کند، فرشتگان او را لعنت می‌کنند» (متقی، ۱۴۰۹، ج ۱۶، ص ۴۲۰). این اقدام از مصادیق کودک‌آزاری است (صالحی، و اسماعیل‌پور، ۱۳۹۳، ص ۱۱۷) و موجب تحقیر کودک می‌شود (طیبی، ۱۳۹۲، ص ۸۱). مطابق دستورالعمل نام مصوب شورای عالی ثبت، امکان تغییر نام جهت تصحیح اشتباهات املائی در نام اشخاص که ناشی از عدم آشنایی مأمور با لهجه‌ها، الفاظ و معانی محلی یا به دلیل تلفظ

نادرست اظهارکننده پیش آمده است، برای نمونه کلمه زهراب به جای سهراب و منیجه به جای منیزه ثبت شده باشد، فراهم شده است (صفائی، و قاسم‌زاده، ۱۳۸۹، ص ۱۴۳).

۱-۵. حق تغییر نام کودک، نام پدر و نام خانوادگی و حق بازگشت به نام و نام خانوادگی سابق
پس از آنکه نام و نام خانوادگی برای کودک انتخاب، و ثبت شد، کودک ممیز حق دارد به تغییر آن مبادرت کند. طبق روال جاری در ثبت احوال، حق تغییر نام برای کودک پس از رسیدن به سن ۱۸ سال و صرفاً برای یک بار امکان‌پذیر است و تغییر نام افراد زیر ۱۸ سال از طریق سازمان ثبت احوال امکان‌پذیر نیست و متقاضیان از طریق مراجع قضایی اقدام می‌کنند. با وجود این، از آنجا که دعوای مذکور غیرمالی است، به نظر می‌رسد بتوان درخواست صغیر ممیز را نیز پذیرفت و در رویه قضایی نیز این امر مشاهده شده است. درباره تغییر نام در شناسنامه، دستورالعمل جدیدی در شورای عالی ثبت احوال به تصویب رسیده است. براساس این دستورالعمل، سازمان ثبت احوال، اختیار تغییر اسم و همچنین نام خانوادگی را بر عهده دارد و دیگر نیازی به مراجعه به مراجع قضایی نیست. اکنون در سازمان ثبت احوال، کمیته‌ای با نام «کمیته نام» تشکیل شده است که به تقاضای افراد برای تغییر نام رسیدگی می‌کند. در صورتی که بنا به هر دلیل هیئت حل اختلاف اداره ثبت احوال، با درخواست فرد برای تغییر اسم در شناسنامه موافقت نکرد، وی می‌تواند ظرف ده روز اعتراض، و موضوع تغییر نام را از طریق دادگاه طرح کند. برابر رویه جاری، تغییر نام اسامی و صفات باری تعالی و نام‌های دینی، مذهبی و معصومین علیهم السلام از طریق ثبت احوال امکان‌پذیر نیست. رویه قضایی ایران در این خصوص منسجم نیست و برخی دادگاه‌ها حق انتخاب نام را جزء حقوق اساسی و از احوال شخصیه دانسته، و تغییر آن را امکان‌پذیر دانسته‌اند.^۱ به موجب ماده ۲۰ قانون ثبت احوال و تبصره‌های آن، انتخاب نام‌های زیر ممنوع

۱. برای نمونه نک: دادنامه شماره ۸۳۴ شعبه ۲۱۸ دادگاه حقوقی تهران در پرونده کلاسه ۸۳/۱۳۹۵ مورخ ۱۳۸۴/۷/۹: «نظر به اینکه انتخاب نام متناسب از حقوق اولیه هر فرد بوده که در قوانین اساسی و کنوانسیون‌های بین‌المللی مورد تأکید قرار گرفته و ملحوظ نظر شرع مقدس اسلام نیز می‌باشد... نظر به اینکه تعیین نام متناسب از حقوق اولیه اشخاص و از مسائل مربوط به احوال شخصیه می‌باشد که به علت عدم اهلیت استیفاء فرزند، پدر و مادر مبادرت به انتخاب نام می‌نمایند». دادنامه شماره ۱۲۶۲ مورخ ۱۳۸۲/۱۰/۲۲ در پرونده کلاسه ۸۲/۲۷۸: «داشتن یک نام منطبق با ذوق و خواست هر فرد از حقوق اساسی هر

و دارندگان آن‌ها می‌توانند با رعایت مقررات به تغییر آن اقدام کنند: اسامی‌ای که موجب هتک حیثیت مقدسات اسلامی شود، مانند عبد الات و عبد العزی؛ نام‌های مرکبی که عرفاً یک نام محسوب نمی‌شوند، مانند سعید بهزاد؛ عناوین لشکری و کشوری مانند سروان و دکتر؛ القاب مانند ملک‌الدوله و خان؛ اسامی زننده و مستهجن از قبیل اسامی‌ای که معرف صفات ناپسند و مغایر با ارزش‌های انسانی است، مانند گرگ و قوچی؛ اسامی‌ای که با عرف و فرهنگ جامعه و مقدسات مغایر باشد، مانند لات و خون‌ریز و اسامی‌ای که موجب تحقیر اشخاص است یا معنای لغوی آن در جامعه پذیرفتنی نیست، مانند صد تومانی و گدا؛ اسامی نامناسب با جنسیت کودک؛ کسانی که نام آن‌ها اسامی ایام هفته باشد. افزون بر آن طبق دستورالعمل فوق افراد می‌توانند کلمات زائد و غیر ضروری را از نام خود حذف کنند؛ مانند قلی، غلام، گرگ، زلف و قوچ. امام رضا (ع) در این خصوص می‌فرماید: «کنیه و نام کودک را نیکوترین نام و کنیه انتخاب کن و او را ابو عیسی و ابوالحکم و ابوحارث بنام و اگر نام او محمد است، کنیه‌اش را ابوالقاسم نگذار و کودک را روز هفتم نام‌گذاری کن» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۱۰۴، ص ۱۳۰). امام باقر (ع) از پدرانش نقل می‌کند که فرمودند: «رسول خدا (ص) نام‌های زشت مردان و شهرها را تغییر می‌داد.» (حر عاملی، ۱۴۱۴ ق، ج ۱۵، ص ۱۲۴). به موجب تبصره ۶ ماده ۲۰ قانون ثبت احوال تغییر نام کسانی که با تأیید مراجع ذی‌صلاح به دین مبین اسلام مشرف می‌شوند، و تغییر نام کسانی که تغییر جنسیت داده‌اند و دادگاه صالحه حکم به تغییر نوع جنس در اسناد سجلی و شناسنامه آنان صادر کرده، امکان‌پذیر است.

یکی دیگر از حقوق مهم کودکان، حق تغییر نام خانوادگی است. به نظر می‌رسد محدودیت خاصی برای درخواست تغییر نام خانوادگی وجود ندارد و هر کسی می‌تواند برای تغییر نام خانوادگی خود به سازمان ثبت‌احوال مراجعه کند. طبق آیین‌نامه اجرایی ماده ۴۰ قانون

شخص بوده که ضرورت داشت این امر در موقع قانونگذاری ملحوظ نظر قانونگذار واقع تا فرد پارسیدن به سن رشد امکان انتخاب نام مناسب و مورد تمایل را برای یک بار داشته باشد...». دادنامه شماره ۱۲۷۰ شعبه ۲۱۸ دادگاه عمومی تهران مورخ ۱۳۸۲/۱۰/۲۴ در پرونده کلاسه ۸۲/۱۱۸: «وقتی شخص در مقام استفاده از نام مندرج در شناسنامه مواجه با مشکل است، شرع انور اسلام بنا بر قاعده نفی عسر و حرج، مانعی برای این امر در جهت تغییر نام ایجاد نکرده است...».

ثبت احوال، نام‌های خانوادگی‌ای که از واژه‌های نامناسب تشکیل شده باشند، نام‌خانوادگی طولانی که بیش از دو کلمه باشد، نام‌خانوادگی متشکل از واژگان خارجی، نام‌های خانوادگی متشکل از کلمات مغایر با ارزش‌های فرهنگ اسلامی و مذهب، نام خانوادگی متشکل از مناصب یا القاب و عناوین و واژه‌های منسوب، نام خانوادگی متشکل از اسامی محل یا منسوب به محل نامناسب، یا نام خانوادگی‌ای که موجب ننگ و سرافکندگی باشد، می‌تواند تغییر کند. همچنین اگر نام خانوادگی با نام خانوادگی پدر، جد پدر، فرزند، برادر، خواهر و عمو یکسان نباشد و افراد برای حفظ وحدت فرد بخواهند آن را تغییر دهند، بلامانع است.

در نظام فقهی علاوه بر تغییر نام فرزند، حق تغییر نام پدر نیز پیش‌بینی شده است. رسول خدا (ص) فرمود: «روش پسندیده و نیکو آن است که کنیه شخص به نام پدرش باشد (مجلسی، ۱۴۰۳، ق، ج ۱۰۴، ص ۱۳۱). افزون بر آن فرمود: «در قیامت شما با نام خود و نام پدرتان خوانده می‌شوید، پس نام‌های خود را نیکو انتخاب کنید» (متقی، ۱۴۰۹، ق، ج ۱۶، ص ۴۱۸)؛ بنابراین چنانچه نام پدر نیکو نباشد، امکان اصلاح آن وجود دارد.

حق بازگشت به نام و نام خانوادگی قبلی در مواردی پیش‌بینی شده است. طبق بند (۶-۳) دستورالعمل نام خانوادگی شورای عالی ثبت، برگشت به نام یا نام خانوادگی قبلی، تا وقتی ممکن است که شناسنامه با واژه جدید تصویبی صادر و تحویل متقاضی نشده باشد. مطابق بند (۶-۴) دستورالعمل فوق، افرادی که قبل از ۱۸ سالگی نام خانوادگی آنان تغییر یافته است، می‌توانند پس از رسیدن به سن مزبور به نام خانوادگی قبلی خود برگردند. براساس بند ۱۱ مقرر فوق، استفاده از نام خانوادگی زوج برای زوجه در زمان زوجیت با اجازه نامه از زوج، بدون رعایت حق تقدم بلامانع است. در صورت انصراف زوجه و درخواست وی، نامبرده به نام خانوادگی قبلی برمی‌گردد (وفائی کیا، ۱۳۹۰، ص ۵۶).

۱-۶. حق تبلیغات نام و انتقال آن

پس از آنکه کودک نامی مناسب و ثبت شده برگزید و به هویت مد نظر خود دست یافت، حق دارد آن را تبلیغ کند. به موجب این حق، هر فرد با رعایت مقررات، حق تبلیغ نام خود

را دارد. اعمال این حق درخصوص انتخابات سیاسی یا تبلیغات تجاری نمود بیشتری دارد. به موجب ماده ۵۷۹ قانون تجارت حق انتقال نام تجاری به رسمیت شمرده شده است. نام تجاری یا برند، جزء حقوق مالیکت تجارتي، و مورد حمایت قانون قرار گرفته است. به موجب ماده ۵۷۸ قانون تجارت، نام تجاری ثبت شده را هیچ کس نمی تواند اسم تجاری خود قرار دهد، ولو اینکه با نام خانوادگی وی یکی باشد. درخصوص افراد غیرتاجر، انتقال نام خانوادگی یا اجازه استفاده از آن، زمانی صادق است که شخص ثالث قصد دارد از نام خانوادگی وی استفاده کند. چنانچه والدین کودک بخواهند از حق تبلیغات نام تجاری وی بهره‌برداری کنند، باید اصول و مقررات مربوط را رعایت کنند. در نظام حقوقی ایران مقررات مزبور به صورت منسجم بیان نشده است؛ اما به صورت پراکنده در برخی مقررات و قوانین، مانند قانون تجارت الکترونیک و قانون مطبوعات و قانون حمایت از اطفال و نوجوان، آیین‌نامه‌ها مانند آیین‌نامه تأسیس و نظارت بر کانون‌های آگهی و تبلیغاتی و دستورالعمل‌ها مانند دستورالعمل صیانت از حقوق کودکان در رسانه‌ها و فضای مجازی یافت می‌شود. در ماده ۵۷ قانون تجارت الکترونیک به موضوع تبلیغ برای کودکان اشاره شده؛ اما آیین‌نامه آن تصویب نشده است. استفاده از کودکان در تبلیغات منوط به رعایت مقررات، اصول و مصلحت آن‌هاست. مهم‌ترین این اصول، در اصول ۶۵ تا ۸۱ دستورالعمل تولید آگهی‌های رادیویی و تلویزیونی بیان شده است. مطابق بند ۶ دستورالعمل نحوه استفاده از تصویر هنرمندان و ورزشکاران در تبلیغات، استفاده از کودکان و نوجوانان مشهور ممنوع شده است. چنانچه مصلحت کودک در تبلیغات رعایت نشود و شکل بهره‌کشی اقتصادی به خود بگیرد، متخلف به موجب ماده ۱۵ قانون حمایت از نوجوانان به حبس تعزیری درجه ۶ محکوم می‌شود. در کنوانسیون حقوق کودک نیز سوءاستفاده از کودکان در قالب تبلیغات ممنوع شده است. با عنایت به اینکه کودک‌آزاری از جرائم عمومی است، به موجب ماده ۵ قانون حمایت از نوجوانان و ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری، دادستان، سازمان‌های مردم‌نهاد کودکان و نوجوانان و والدین آن‌ها حق دادخواهی خواهند داشت.

۲. حقوق بر نام کودک در نظام حقوقی آمریکا

در ایالات متحده آمریکا، حقوق بر نام کودک، مانند دیگر اجزا یا مظاهر استقلال و هویت فردی، به عنوان حقِ حریمِ خصوصیِ اساسی که قانونی اساسی آن راتحتِ اصلحیه چهاردهم شناسایی کرده است، محافظت می‌شود (Rosenshaft, supra note 33 at 216). قانون اساسی آمریکا سؤالات مربوط به تعامل قانون نام با حق آزادی بیان (متمم اول) را به طور کامل بررسی نمی‌کند و بیانیه آزادی بیان در «قانون نام» فعلی با مشکلاتی روبه‌روست. آمریکا خود را کشوری متنوع و خانه میلیون‌ها فرهنگ و زبان و عقاید مختلف می‌داند؛ اما گروه‌های به حاشیه رانده شده این کشور، نه تنها درباره رنگ پوست یا زبان خود با تبعیض مواجه می‌شوند، بلکه درخصوص حقوق مترتب بر نام نیز مورد تبعیض قرار گرفته‌اند. برای مثال، مردم بومی این سرزمین که نسل‌کشی و خشونت و استعمار را تجربه کرده‌اند، براساس عقاید و اعمال و نام خود به شدت مورد تبعیض قرار می‌گیرند. کودکان بومی آمریکا اغلب از خانواده و خانه و اجتماعات دور می‌شدند و در مدارس مسکونی‌ای قرار می‌گرفتند که آن‌ها را مجبور می‌کرد در فرهنگ‌های غالب غربی جذب شوند. کودکان بومی علاوه بر تجربه آزار جسمی و جنسی بی‌رویه و محو زبان‌ها و شیوه‌های فرهنگی خود، مجبور به انتخاب نام‌های آمریکایی نیز می‌شدند. این نسل‌کشی فرهنگی، عمداً به ماهیت مقدس شیوه‌های نام‌گذاری در بسیاری از جوامع بومی بی‌احترامی کرده است و نام مردم بومی حذف شده است؛ اقدامی که هویت و میراث آن‌ها را از بین برده، و آن‌ها را مجبور به ورود به اصول غربی کرده است. تا به امروز، جامعه مذکور برای به رسمیت شناخته شدن نام آن‌ها و احترام به تاریخ آن‌ها پیوسته مبارزه می‌کند (Reconciliacationyeg, 2022, p 54). با در نظر گرفتن مراتب فوق، مصادیق حقوق بر نام در آمریکا به شرح زیر است:

۲-۱. حق داشتن نام و مناسب بودن آن

در حقوق آمریکا به تبعیت از کنوانسیون حقوق کودک، حق داشتن نام مناسب و ثبت آن به رسمیت شناخته شده است. در سال ۲۰۰۴ م، دادگاه استیناف نیومکزیکو به فردی با نام

«اسنفای فیش سوئیت موکیلگن»^۱ اجازه داد تا نام خود را به «متغیر»^۲ تغییر دهد. چند سال بعد، وی مجدداً درخواست داد تا نام خود را به «لعنت بر سانسور» تغییر دهد! دادگاه بدوی، درخواست او را رد کرد و توضیح داد که نام مدنظر، زشت و توهین آمیز است و با نجابت سازگار نیست. دادگاه تجدیدنظر رأی بدوی را تأیید کرد. دادگاه استیناف کالیفرنیا در سال ۱۹۹۲ م، تصمیم مشابهی گرفت و درخواست یک شاکی را برای تغییر نام خود به «جناب»^۳ رد کرد. هر دو خواهان، استدلال کردند که رد درخواست‌هایشان حقوق متمم اول آن‌ها را نقض می‌کند؛ اما دادگاه‌ها به این نتیجه رسیدند که با اجازه دادن به نام‌هایی که حاوی محتوای توهین آمیز یا نامناسب هستند، مشکلاتی ایجاد می‌شود؛ برای مثال ممکن است به خشونت دامن بزنند یا واژه‌های ستیزه‌آمیز تلقی شوند (In the matter of petition of mokiligon,) (2005 N.M.C.A. 21, 106 p 3d 584 (Ct. App. 2005)). در این کشور انعطاف‌پذیری تاریخی در شیوه‌های نام‌گذاری و ایجاد حق عرفی برای تغییر نام بدون درخواست به دولت مشاهده شده است. ازمنظر تئوری، در نظام کامن‌لو امروزه یک شخص ممکن است بدون کمک دولت، نام خود را تغییر دهد و پس از زمان کافی و استفاده مداوم توسط آن شخص و دیگران، نام جدید به نام قانونی شخص تبدیل شود. امروزه در ایالات متحده، بسیاری از دادگاه‌ها این حق را به رسمیت شناخته‌اند، اگرچه همه ایالت‌ها فرایندهای قانونی را نیز برای تغییر نام وضع کرده‌اند (Smith v. U.S. Casualty Co., 90 (N.E.947, 948-50)).

۲-۲. حق ثبت نام و نام خانوادگی

در آمریکا و نظام کامن‌لو، قانون اسامی شخصی، بیانگر توسعه حقوق عمومی و قواعد ثبت نام است؛ با وجود این، این قانون در برخی موارد از نظر تئوری، مورد انتقاد قرار گرفته است. ثبت نام‌های خانوادگی تا قرن چهاردهم، زمانی که به طور تصادفی انتخاب می‌شدند و به کار می‌رفتند، ضروری نبود. در آن زمان، به دلیل اندک بودن اسامی مسیحی، مرسوم شد نام

1. SnaphappyFishsuit Mokiligon
2. Variable
3. Misteri

تعمیدی اضافه شود. نام خانوادگی در ابتدا صرفاً موقتی بود و همیشه تا زمانی که این افراد نام برده می‌شدند، دوام داشتند و به فرزندان منتقل نمی‌شدند. ویژگی‌های جسمی، روحی یا اخلاقی، شغل، محل زندگی و شباهت به حیوانات معیارهایی بودند که در انتخاب نام خانوادگی مؤثر بودند که هنوز هم وجود دارند. به تدریج پسر، نام خانوادگی پدر را گرفت. در زمان سلطنت الیزابت اول، که از سال ۱۵۵۸ شروع شد، نام‌های خانوادگی ثابت و ارثی شدند. با این حال، شیوه‌های نام‌گذاری افراد انعطاف پذیر باقی ماند (Arnold, 1905, p 227).

۲-۳. حق تغییر نام

در حقوق آمریکا در بسیاری از ایالت‌ها، اگر فرد در مدتی طولانی و مستمر، از اسمی غیر از نام مندرج در اسناد سجلی استفاده کند، می‌تواند تغییر نام خود را درخواست کند. میزان استفاده از نام جدید، به‌طور دقیق مشخص نشده است؛ اما باید به اندازه‌ای باشد که سبب شهرت وی به نام جدید و فراموش شدن نام قبلی شود (Kushner, 2009, p 326). در یک پرونده، دادگاه معتقد بود تجدیدنظرخواه فکر می‌کند که تنها راهی که یک فرد می‌تواند از نظر قانونی نامی متفاوت از نام خود داشته باشد، از طریق مراحل قانونی رسمی است و این در حالی است که نامی که عموماً شخص با آن شناخته می‌شود، اگرچه نام اصلی او نیست، چون در تمام امور تجاری خود از آن استفاده می‌کند، نام قانونی وی است و نام ساختگی نیست (Miss. State Bd. of Dental Exam'rs v. Mandell, 21 So. 2d 405, 410 (Miss. 1945)). مطابق پرونده‌ای دیگر، نامی که با عمل داوطلبانه یک شخص در آغاز زندگی برگزیده شده است و همه کسانی که او را می‌شناسند، دائماً وی را بدان نام می‌خوانند، در واقع نامی است که گویی آن را قانوناً به دست آورده است (Luscombe v. Yates, 1822).

چهل و نه ایالت آمریکا رویه‌های قانونی تغییر نام دارند که بررسی قضایی درخواست‌های تغییر نام را فراهم می‌کند. از حاشیه نویسی‌های قانونی، به نظر می‌رسد که بیشتر آن‌ها در اواسط تا اواخر قرن نوزدهم یا اوایل قرن بیستم وضع شده‌اند. تنها چند ایالت به صراحت حق کامن‌لا را لغو کرده‌اند (Ariz. Rev. Stat. §§ 442-443 (1901); Cal. Civ. Proc. Code § 1275 (1872) ; Colo. Gen. Laws § 1851 (1877)). در عوض،

بسیاری از دادگاه‌های ایالتی معتقد بودند که اساسنامه‌ها قصد تداخل با حقوق عمومی را ندارند. برای مثال، دادگاه سلطنتی دلاور^۱ اظهار داشت: «این گونه قوانین به طور کلی بر حق کامن لا تأثیر نمی‌گذارد. چنین در نظر گرفته می‌شود که آن‌ها صرفاً رویه‌ای را برای دادگاه ایجاد کرده‌اند.» HAW. SESS. LAWS 32 (1860); LA. ACTS 106 (1877); MASS. GEN. LAWS. ch. 256, § 1 (1851) ; N.Y. CODE CIV. PROC. § 2262 (1895) ; PA. LAWS 822 (1919).

برخی از قوانین آمریکا از نظر رویه و استانداردهای اعطای درخواست تغییر نام، مختصر و پراکنده و برخی دیگر طولانی و مفصل هستند. معمولاً از طریق یک روزنامه محلی، از متقاضیان تغییر نام تقاضا می‌شود فرصتی را برای دیگر طرف‌های ذی‌نفع فراهم کنند تا در جلسه استماع مخالفت کنند. دادخواست‌های تغییر نام معمولاً باید حاوی اطلاعاتی درباره نام فعلی، سابقه کیفری، سابقه مالی و تعهدات قانونی معوقه شاکی باشد. برخی از ایالت‌ها از بزرگسالان می‌خواهند که اثر انگشت ارائه کنند. تقریباً همه ایالت‌ها برای افرادی که سابقه جنایی دارند، رویه‌های دیگری دارند (MICH. COMP. LAWS § 711.1 (1)). تقریباً همه ایالت‌ها به دادگاه‌هایی که به دادخواست‌ها رسیدگی می‌کنند، اختیار گسترده‌ای می‌دهند و انواع اسامی را که دادگاه باید رد یا اعطا کند، محدود نمی‌کنند. درواقع، اکثر قوانین اصلاً هیچ دستورالعمل واقعی ندارند. برخی از ایالت‌ها از خواهان‌ها می‌خواهند که دلیل خوب یا کافی برای اجابت دادخواست تغییر نام بیاورند. قوانین فعلی مفصل نیستند و «اگر قاضی قانع شود که تغییر نام مورد نظر مناسب بوده و به منافع هیچ شخص دیگری آسیب نمی‌رساند»، به دادگاه اجازه می‌دهد که به دادخواست رسیدگی کند (MO. REV. STAT. § 270. 527 (2002)).

طبق حقوق آمریکا، رد درخواست‌های تغییر نام، محدودیت‌های مستقیمی برای آزادی بیان ایجاد نمی‌کند؛ با این حال، از آنجایی که قوانین تغییر نام، مجوز رسمی برای برخی از تغییر نام‌ها را فراهم می‌کند، فرایند قانونی ممکن است جهت ایجاد یک رویه محدود در نظر گرفته شود، که در آن ایالت ممکن است درگیر تبعیض‌های غیرمجاز آزادی بیان نباشد. برخی

1. Delaware Court of Chancery

از انکارهای پذیرش درخواست تغییر نام، ممکن است تحت این دکترین نقد شوند. علاوه بر این، به نظر می‌رسد که انکارها ممکن است به عنوان سلب آزادی بیان غیرمجاز مورد انتقاد واقع شوند. در این کشور ممکن است به ایالت‌ها به دلیل علاقه آن‌ها به جلوگیری از سلب آزادی بیان دیگران، آزادی عمل زیادی برای محدود کردن تغییر نام داده شود. اگرچه بسیاری از مردم از نام خود به عنوان وسیله‌ای برای آزادی بیان خود استفاده می‌کنند، درخواست‌کنندگانی که درخواست تغییر نام می‌کنند، به ندرت استدلال‌های آزادی بیان را در متمم اول می‌آورند. برای مثال، در دادگاه لی علیه دادگاه عالی، وی در دادگاه تجدید نظر استدلال کرد که رد دادخواست او حق آزادی بیان او در متمم اول قانون اساسی را نقض می‌کند. دادگاه پاسخ داد: «از آنجایی که حق استفاده از نام خانوادگی تجدیدنظرخواه لغو نشده است، به هیچ یک از حقوق متمم اول او لطمه‌ای وارد نشده است (11 Cal. Rptr. 2d 763). در حقوق آمریکا، حتی اگر محدودیت‌های ایالتی در انتخاب نام به سطح نقض قانون اساسی نرسد، دلایل سیاسی زیادی برای اصلاح روند تغییر نام موجود وجود دارد؛ از جمله آن دلایل می‌توان به این‌ها اشاره کرد:

نخست آنکه چنانچه کنترل بر نام یک حق اساسی نباشد، ایالت‌ها باید شیوه‌های نام‌گذاری را تاحدامکان محدود کنند؛ زیرا اسامی خاص برای دارندگان آن‌ها اهمیت زیادی دارد. به زعم برخی نویسندگان، هرچند انتخاب نام یک فرد برای دولت و دیگران نسبتاً بی‌اهمیت است؛ اما با توجه به ارزشی که ایالات متحده برای حقوق فردی قائل است، سیاست بهتر آن است که موضوعاتی که اهمیت بالایی دارند تا حد امکان به خود افراد محدود شوند؛ بنابراین، ممکن است طبق قانون اساسی آمریکا، دولت به پیروی از استانداردهای دقیق نظارتی در تصمیم‌گیری درباره زمان تنظیم نام‌گذاری ملزم نباشد؛ اما بهتر است در صورت امکان این کار را انجام دهد.

دوم آنکه قوانینی که دقیق‌تر تنظیم شده‌اند، منافع عمومی و خصوصی در نام‌گذاری را بهتر محافظت می‌کنند و قوانین فعلی تغییر نام، از هیچ یک از دو منافع فوق به طور مؤثر محافظت

نمی‌کند. نه قانون اساسی و نه رویه قضایی، موفق به ایجاد استاندارد واضحی نشده‌اند که تغییرات نام را براساس شواهد محکمی از انواع اسامی که واقعاً برای دولت مشکل ایجاد می‌کنند، محدود کند. فقدان استانداردهای روشن و پیشینه موجب می‌شود افراد اغلب به انتخاب نام‌هایی که کاملاً مجاز است، محدود شوند. در مقابل، دادگاه‌ها ممکن است تغییراتی را که سازمان‌های دولتی و دیگر افراد جامعه کاملاً مشکل‌ساز می‌دانند، اجازه دهند.

سوم آنکه تحت سیستم فعلی، در دسترس بودن درخواست تجدیدنظر به اندازه کافی از متقاضیان حمایت نمی‌کند. در واقع، اکثر تصمیمات در دادگاه تجدیدنظر لغو شده است. با این حال، توسل به دعوی قضایی، به ویژه دعاوی استینافی، برای اکثر خواهان‌ها غیرممکن است و دعوای قضایی پرهزینه است. اکثر متقاضیان تغییر نام در صورت رد درخواست‌هایشان، احتمالاً ابزاری برای درخواست تجدیدنظر ندارند، و ممکن است با استاندارد سوءاستفاده از اختیارات در دادگاه تجدیدنظر، که غلبه بر آن بسیار دشوار است، مواجه شوند. علاوه بر این، با توجه به کمبود آراء کتبی قضایی در پرونده‌های تغییر نام، به نظر می‌رسد دادخواست‌هایی که به اشتباه رد شده‌اند، بسیار بیشتر از موارد ثبت شده است. اصلاح روند موجود، تعداد دادخواست‌هایی را که در مرحله نخست به اشتباه رد شده‌اند، کاهش می‌دهد و حفاظتی بسیار بهتر و کم هزینه‌تر از درخواست تجدیدنظر ارائه می‌کند (Kushner, 2009, p 358-359).

۴-۲. حق نگارش و تلفظ صحیح نام و نام خانوادگی

نام یک کودک فقط یک نام نیست، بلکه به هویت و تاریخ و ارتباط وی با خانواده و فرهنگش برمی‌گردد؛ بنابراین باید به درستی نگاشته و تلفظ شود. متأسفانه در آمریکا بسیاری از کودکان رنگین پوست و اقلیت‌ها، اشکال مشابهی از نادیده گرفتن تلفظ صحیح نام را در مدارس تجربه می‌کنند، به ویژه کودکانی با نام‌های قومی که ممکن است احساس کنند باید بخشی از هویت یا میراث خود را کنار بگذارند تا در فرهنگ غالب سفیدپوستان قرار گیرند (Vivek, 2022, p 25). در شدیدترین حالت، سلب حق نام کودکان نوعی نسل کشی فرهنگی است. برای مثال، در تلاش برای ریشه‌کن کردن زندگی جوامع بومی، هزاران کودک بومی از خانواده‌هایشان

دزدیده شدند و به مدارس مسکونی منتقل شدند؛ آن‌ها در آنجا اجازه نداشتند به زبان خود صحبت کنند، لباس بومی بپوشند یا نام خود را حفظ کنند. تا به امروز، تجربیات اولیه برخی از دانش‌آموزان از ظلم در محیط‌های مدرسه ممکن است مستقیماً به دلیل تلفظ نادرست نام توسط معلمان باشد. این روندها در هر زمینه‌ای ناراحت کننده است؛ اما زمانی که ترکیب جمعیتی متنوع ایالات متحده را که شامل چهل تا چهل و پنج میلیون خارجی است، در نظر گرفته شود، این نگرانی مضاعف می‌شود و شایسته است این افراد تاریخ و زبان و فرهنگ خود را به جوامع خود بیاورند. با توجه به تنوع ایالات متحده، مهم است که معلمان و دیگر مربیان از نحوه حمایت از دانش‌آموزان آگاه باشند، به ویژه آن‌هایی که مهاجر یا چندزبانه یا در اقلیت هستند. نخستین قدم مهم برای انجام این کار، تلفظ درست نام کودکان است که بیانگر درک این مسئله است که آن‌ها افرادی با فرهنگ و تاریخ غنی و دانش زیاد هستند که این امر می‌تواند برای برنامه ریزی تجربیات یادگیری مؤثر در کلاس درس استفاده شود. معلمان باید اهمیت اسامی را برای کودکان بیان کنند تا آن‌ها بفهمند که نام‌ها چگونه عامل کلیدی در رشد هویت آن‌ها هستند. معلمان باید چگونگی تأثیر نام‌ها بر رفاه کلی و موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان را هم بررسی کنند. آن‌ها باید از راهبردهای مختلفی برای احترام و تأیید هویت دانش‌آموزان با تمرکز نام دانش‌آموزان در کلاس درس استفاده کنند. ارتباط فعالی بین نام کودک، رفاه کلی و پیشرفت تحصیلی وجود دارد و هدف مهم توانمندسازی معلمان برای ایجاد کلاس‌های درس و فرصت‌های یادگیری است که در آن، کودکان بتوانند خود واقعی خود باشند و زندگی فرهنگی خود را بدون ترس از قضاوت حفظ کنند. اسامی، فوق‌العاده مهم هستند؛ زیرا نشان‌دهنده شخصیت کودکان هستند. نام‌ها ممکن است جزئی به نظر برسند؛ اما نادیده گرفتن تلفظ یا املای صحیح نام کودکان، تغییر نام بدون رضایت آن‌ها، یا استفاده از نام‌هایی که کودکان با آن‌ها راحت نیستند، بی‌احترامی عمیق را نشان می‌دهد. وقتی کودکان احساس می‌کنند که از جامعه کلاس حذف شده‌اند، می‌توانند پیامدهای مضرمانند سلامت روانی ضعیف و احساس بیگانگی داشته باشند. مسئولیت معلم و دیگر افراد، حمایت از دانش‌آموزان و کودکان است و نخستین قدم برای انجام این کار، آن است که نام آن‌ها را به شیوه‌ای محترمانه

تأیید و تلفظ کنند. با این حال، درحالی که رعایت این مسئولیت‌پذیری، توسعه حرفه‌ای برای کمک به توسعه مثبت هویت کودکان از طریق استفاده محترمانه و پایدار از نام‌ها ایجاد شده است، به دلیل ماهیت فعلی قطبی سازی، انتظار مخالفت با این نوع ابتکار وجود دارد. سیاست حقوقی ایالات متحده آمریکا، شامل موجی از قوانین به منظور سلب حقوق فردی، استقلال و هویت کودکان در خصوص حقوق بر نام است: از پرونده «رو علیه وید» گرفته تا لوایحی که کارکنان مدرسه را ملزم می‌کند دانش‌آموزان دارای تنوع جنسیتی را به زور «اخراج» کنند (Totenberg & McCammon, 2022, p 87). یا جرم‌انگاری ترنس و جمعیت متفاوت جنسیتی (Peele, 2023). چنین تصمیماتی، که شامل ممنوعیت کتاب‌ها و نظرهای مضر توسط سیاست‌مداران می‌شود، آموزش درباره فراگیری و پذیرش را دشوار کرده است (Alfonseca, 2022, p 403). این سیاست‌های واپس‌گرایانه، مریبان و دانش‌آموزان را به طور یکسان ساکت می‌کند و آن‌ها را مجبور به پذیرش اصولی می‌کند که اجازه ابراز وجود، فردیت یا هویت را ندارند. به دلیل این مواضع سیاسی، امکان نادیده گرفتن این مسئولیت‌پذیری، که تلفظ صحیح اسامی را تشویق می‌کند، وجود دارد که بر گروه‌های به حاشیه رانده‌شده، مانند اقلیت نژادی و مردم بومی، تأثیر منفی می‌گذارد و این درحالی است که نام آن‌ها، منعکس‌کننده ریشه‌های قومی، پیشینه مذهبی، اصل و نسب و موارد دیگر است (Torres-Mackie, 2019, p97). به دلیل برتری‌های موجود در سفیدپوستی، آن‌هایی که از گروه‌های اقلیت نژادی و گروه‌های بومی هستند، اغلب احساس می‌کنند که نام آن‌ها به مانعی برای موفقیت تبدیل شده است (Menasce Horowitz, Brown, & Cox, 2019, p112). این احساس اغلب ناشی از واکنش‌ها و نظرهای نژادی است که آنان در زندگی روزمره خود با آن‌ها مواجه شده‌اند. تنها بزرگسالان با این مشکلات روبه‌رو نمی‌شوند و کودکان نیز با تبعیض قومیتی و تجاوزات خرد در کلاس‌های درس و مدرسه‌شان مواجه می‌شوند (Brown, & Chu, 2012, p1477). برخی از دانش‌آموزان به دلیل تفاوت در زمینه‌های نژادی و قومی مورد تهاجم معلمان خود قرار می‌گیرند. اسامی بسیاری از افراد گروه‌های اقلیت نژادی نشان‌دهنده مذهب و

پیشینه قومی و منشأ خانوادگی آنهاست. ممکن است تلفظ برخی از این نام‌ها دشوار باشد، ممکن است برخی از آنها دارای چند هجا باشند، و ممکن است املای آنها دشوار باشد. تمام این موارد می‌توانند علیه دانش‌آموزان در زمینه‌های مختلف استفاده شوند. درباره کودکان ترنس و دارای تنوع جنسیتی گفت و گوی مداومی وجود دارد و اینکه آیا نام تأیید شده آنها باید در کلاس درس استفاده شود یا خیر. مهم است که به خاطر داشته باشید که نام‌های ترجیحی یا تأییدشده با هویت ترنس و جنسیت مرتبط است (Gallo, Willems & Tagaya, 2017, p18). جمعیت متنوع نام آنها شامل این است که واقعاً چه کسی هستند و چه کسی می‌خواهند باشند. بسیار مهم است که مربیان نام تأییدشده دانش‌آموزان خود را بشناسند و از دانش‌آموزان خود دفاع کنند. با انجام این کار، هویت آنها تأیید می‌شود و باعث کاهش خطر آسیب به خود و سلامت روانی آنها می‌شود. برای دانش‌آموزان ترنس یا جنسیتی متفاوت، مهم است که روشن شود که آنها حق نام ترجیحی و تأییدشده خود را دارند که از طریق نخستین اصلاحیه این حق به آنها داده شده است (De La Peña, 2024, p 59-62).

۵-۲. حق احیای نام و بازگشت به نام و نام خانوادگی

این حق به کودکان و افراد دیگر اجازه می‌دهد که بتوانند در صورت از دست دادن نام واقعی خود، آن را احیا کنند. ضمن مطالعه‌ای، تجربیات بازگردانده‌شده‌های کره‌ای که در کره متولد شده، و از خانواده‌های بیولوژیکی خود جدا شده، و خانواده‌های سفیدپوست در ایالات متحده آمریکا آنان را بزرگ کرده، و در زمان فرزندخواندگی نام غربی داده شده‌اند، بررسی شد. این مطالعه بر سفرهای شرکت‌کنندگان برای بازیابی نام کره‌ای و تأثیرات مختلفی که در این تصمیم مؤثر بود، متمرکز بود. نتایج به دست آمده مبرهن کرد احیای نام، بخشی از فرایند توسعه هویت بزرگ‌تر است و عواملی که از روند احیای نام جلوگیری کرده، یا آن را کند کرده است، مشخص کرد (Reynolds, Bhattacharjee, Ingraham, & Anton, 2022, p 245).

در نظام حقوقی آمریکا در غیاب دستورالعمل‌های قانونی واضح، دادگاه‌ها استانداردهای خود را برای ارزیابی درخواست‌های بازگشت به نام و تغییر نام، تدوین کرده‌اند. تعداد کمی از تصمیمات منتشر، یا در واقع ثبت شده است. به نظر می‌رسد که ایالت‌ها اغلب

استانداردهای بررسی و سابقه را از ایالت‌های دیگر وام گرفته‌اند؛ بنابراین، اگرچه تغییرات کمی وجود دارد، استانداردهای مورد استفاده بین ایالت‌ها نسبتاً یکنواخت هستند. مواردی که بیشتر مورد استناد قرار می‌گیرند، این است که «برای رد درخواست تغییر نام باید دلایل اساسی وجود داشته باشد»، و رد درخواست محدود به نشان دادن یک انگیزه ناشایست، احتمال تقلب در مردم، یا انتخاب نامی است که عجیب، طولانی، مضحک یا توهین‌آمیز به نجابت و سلیقه عامه می‌باشد. برخی دادگاه‌ها معتقدند که رد درخواست باید براساس شواهد واقعی باشد و نه حدس و گمان؛ اما این نظرها اندک است. چند دادگاه از استانداردهای مشابه دیگری استفاده کرده‌اند. با این حال، این استانداردها به روندهای مادی متفاوتی در رویه قضایی منجر نمی‌شوند. دادگاه عالی ایندیانا به طرز چشمگیری یک مورد غیرعادی را برگزار کرد. مطابق پرونده «هپتلی»، «تنها وظیفه دادگاه بدوی پس از ارائه چنین دادخواستی این است که تشخیص دهد که قصد کلاهبرداری وجود ندارد. پس از دریافت این موضوع، رد هرگونه درخواست برای تغییر نام طبق قانون، سوءاستفاده از اختیارات قضایی است (Hauptly, 312 N.E.2d 857, 860 (Ind. 1974)).

۲-۶. حق تبلیغات نام

حق تبلیغات نام در آمریکا، به کودک و دیگر افراد این حق را می‌دهد که استفاده از نام و شباهت خود را برای اهداف تجاری یا سیاسی کنترل کنند. دادگاه‌های آمریکا سال‌ها تلاش کرده‌اند تا دو بُعد از این حق را معنا کنند: نخست اینکه استفاده تجاری یا سیاسی از یک نام یا شباهت به چه معناست؛ دوم اینکه چه جنبه‌ای از شباهت یک شخص در برابر تصاحب محافظت می‌شود. در غیاب مبنای نظری روشن برای حق تبلیغات نام، معانی این اصطلاحات به طور پیوسته افزایش یافته است، تا جایی که عملاً هر استفاده‌ای که با ارجاع به یک فرد برای کسی منفعت مالی به همراه داشته باشد، نقض حق عمومی شناخته می‌شود. در عین حال، دادگاه‌های آمریکا هیچ وزنه متعادلی برای این حق در حال گسترش پیدا نکرده‌اند. در عوض، آن‌ها در مواردی که حق تبلیغات نام به نتایج ناعادلانه منجر می‌شود، چند استثناء موقت ایجاد کرده‌اند. در حقوق آمریکا دو نوع ادعای تبلیغاتی مشکلات خاصی را برای دادگاه‌ها ایجاد کرده

است: ۱. ادعاهای تجاری‌ای که در آن افراد ادعا می‌کنند حق تبلیغات خود را نه با استفاده از یک نام در تبلیغات، بلکه توسط افرادی که محصولات را به نام یا مشابه آن‌ها می‌فروشند، نقض می‌کنند. دادگاه‌ها عموماً این ادعاها را با ایجاد تمایز بین اخبار یا هنر از یک سو، و کالا از سوی دیگر حل و فصل کرده‌اند (Anita M. FLYNN, Plaintiff, Appellant, v. AK PETERS, LTD, Defendant, Appellee. Nos. 03-1676, 03-2294, 03-2348). اما با کلاشدن فزاینده هنر و اطلاعات، این تمایز دشوارتر شده است؛ ۲. ادعای مشکل‌ساز شامل مواردی که در آن احتمالاً شهرت سلبریتی‌ها را به نحوی مخدوش می‌کند که به ارزش کلی هویت آن‌ها لطمه می‌زند (Zacchini v. Scripps-Howard Broadcasting Co (1977)). شاید یکی از ریشه‌های مشکلات این موارد در مبهم بودن توجیه نظری برای حق تبلیغات نام باشد. زمانی که دولت بتواند هدفی را در محدود کردن تبلیغات به وضوح تشخیص دهد، دادگاه‌ها مبنایی برای ارزیابی اینکه آیا محدودیت مذکور مطابق با آن هدف است یا خیر، دارند؛ اما از آنجا که حق تبلیغات نام مبتنی بر انبوهی از توجیه‌هاست، دادگاه‌ها راه‌حل کمی برای تعیین اینکه آیا محدودیت تبلیغاتی خاص برای خدمت به اهداف هنجاری قانون ضروری و مناسب است، دارند. در عوض، آن‌ها اجازه می‌دهند که ادعاهای حق تبلیغات بر منافع عمومی بی‌اعتماد باشد. اگر فقدان یک دلیل منطقی، مشکل را ایجاد کرده باشد، آنگاه پاسخ در شناسایی این موضوع است که آیا حق تبلیغات نام ممکن است در خدمت منافع مشروع دولت باشد یا خیر. با این حال، بررسی‌ها نشان می‌دهد که هیچ کس نمی‌تواند دقیقاً توضیح دهد که چرا افراد باید این حق را داشته باشند. حق حریم خصوصی نمی‌تواند آن را توجیه کند؛ زیرا حق تبلیغات نام در طیف گسترده‌ای از موقعیت‌ها اعمال شده است که به هیچ وجه بر حریم خصوصی دلالت ندارد (Pirone V Macmillan , Inc (894 F.2d 579, 583 (2d Cir. 1990)). برخی از مفسران یک حق طبیعی یا اخلاقی برای کنترل نام را پیشنهاد کرده‌اند؛ اما به نظر می‌رسد هیچ توجیهی برای اعطای چنین کنترلی وجود ندارد و فقدان چنین حقی در بیشتر نقاط جهان و در واقع در طول تاریخ ایالات متحده باید در نظر گرفته شود. درباره ادعاهای مبتنی بر برخی باورهای اخلاقی، اتفاق نظر

صاحب‌نظران محل تردید است. ادعای اخلاقی استفاده از نام خود نیز با عدم وجود توجیهات حقوق طبیعی یا اخلاقی برای دیگر اشکال مالکیت معنوی ناسازگار به نظر می‌رسد. در حقوق آمریکا، دادگاه‌ها در جست‌وجوی توجیه و محدودیت‌هایی برای حق تبلیغات نام، به منطق مبتنی بر قانون حق چاپ روی آورده‌اند. دادگاه‌ها با این استدلال که حق تبلیغات نام به افراد، انگیزه ایجاد شخصیت‌های ارزشمند می‌دهد، استدلال می‌کنند که محروم کردن آن‌ها از ثمره کارشان با این انگیزه‌های اقتصادی تداخل خواهد داشت. برخی از دادگاه‌ها حتی تا آنجا پیش رفته‌اند که یک دکترین استفاده منصفانه ایجاد کرده‌اند و از قانون کپی‌رایت محدودیت‌هایی را برای اجرای حق ایجاد کرده‌اند. این رویکرد، حق تبلیغات را به شکل جدیدی از مالکیت فکری تبدیل می‌کند؛ شکلی که صریحاً مبتنی بر تشابهات و توجیه‌هایی برای مالکیت واقعی است. علاوه بر این، دکترین استفاده منصفانه حق نسخه برداری شامل معاوضه‌هایی بین منافع پدیدآورندگان اصلی و کسانی است که می‌خواهند آن را ایجاد کنند (*Toney v. L'OREAL* (USA, INC. 406 F. 3d 905 - Court of Appeals, 7th Circuit, 2005)).

درک مجدد حق تبلیغات نام چند مزیت مهم دارد: نخست، روشی مفید برای تفکر درباره انواع مختلف ادعاهایی که تحت عنوان تبلیغات مطرح می‌شوند، ارائه می‌دهد. حقوق آمریکا تجربه خوبی درباره هریک از این نوع ادعاها در قانون علائم تجاری دارد و به کارگیری آن دانش می‌تواند به حقوق‌دانان کمک کند تا بفهمند چرا ممکن است استفاده‌های خاصی را ممنوع کنند و چه زمانی قانون باید آن‌ها را ممنوع کند. دوم، نگاه کردن به حق تبلیغات نام از دریچه حقوق علامت تجاری راه‌های منطقی برای محدود کردن حق تبلیغات را ارائه می‌دهد. بازنگری در حق تبلیغات نام برای انطباق با قوانینی که در موارد مربوط به علائم تجاری تدوین شده است، از برخی سوءاستفاده‌ها از این حق جلوگیری می‌کند و تضاد بین حق تبلیغات و اصول متمم اول را محدود می‌کند و حق را در مفهومی محکم‌تر قرار می‌دهد (Dogan & Lemley, 2005, p 58).

یافته‌های پژوهش

نام‌ها هم برای افرادی که با آن‌ها یاد می‌شوند و نیز برای مردمی که به آن‌ها، به‌عنوان ابزاری برای شناسایی و ارتباط متکی هستند، مهم‌اند و حقوق زیادی بر آن‌ها مترتب می‌شود. نام‌ها نه تنها وسیله‌ای برای ایجاد تعامل عمومی هستند، بلکه به بیان و ساختن هویت شخص نیز کمک می‌کنند؛ از این رو باید تعادلی بین کاربردهای عمومی و خصوصی آن‌ها برقرار شود. در نظام حقوقی آمریکا، قانون فعلی ایالتی که تغییرات نام را کنترل می‌کند، به اندازه کافی برای محافظت از منافع افراد درخواست کننده مناسب نیست. کنترل نام خود به عنوان یک حق اساسی و بنیادین شایسته حمایت است؛ زیرا نام جزء مهمی از هویت هر فردی است. چنین کنترلی نیز شایسته حمایت متمم اول قانون اساسی است؛ زیرا قانون به شکلی که اکنون وجود دارد، به طور غیرمجاز حق افراد را محدود می‌کند؛ همچنین به برخی منفعت می‌دهد و برخی دیگر را براساس دیدگاه یا اعتقادات یک درخواست کننده کنار می‌گذارد. حتی اگر دادگاه‌ها از به رسمیت شناختن این حقوق امتناع ورزند، دلایل متعددی برای اصلاح قانون وجود دارد. به علاوه، این سیستم در حال حاضر به اندازه کافی از منافع عمومی و خصوصی مربوط محافظت نمی‌کند. اصلاحات نسبتاً ساده و زیادی وجود دارد که ایالت‌ها در قوانین تغییر نام می‌توانند انجام دهند تا آن‌ها بهتر از حقوق فرد آسیب دیده محافظت کنند. این اصلاحات ابزاری کارآمد و پیش‌بینی شده نیز برای پردازش درخواست‌های تغییر نام ایجاد می‌کنند.

در نظام حقوقی ایران نیز حقوق بر نام به طور منسجم و صریح و جامع شناسایی نشده است و کودکان و دیگر اشخاص را با مخاطرات و مشکلاتی روبه‌رو ساخته است. با توجه به مراتب فوق، پیشنهاد می‌شود ماده زیر به قانون ثبت احوال الحاق شود: «هر کودک حق دارد نام مناسب و مشابه و نام خانوادگی مناسب، انحصاری و ثبت شده داشته باشد و نگارش و تلفظ صحیح آن را مطالبه کند. وی حق دارد بعد از ممیز شدن، درخصوص استمرار یا تغییر نام انتخاب شده در هنگام تولد تصمیم‌گیری کند و حق بازگشت به نام نخست را نیز دارد. چنانچه نام پدر یا مادر کودک، نامناسب یا غیر واقعی یا نام خانوادگی وی نامناسب باشد، کودک ممیز می‌تواند اصلاح آن را

از دادگاه مطالبه کند. اعمال حقوق فوق صرفاً برای یکبار امکان‌پذیر است.» گذشته از آن، با عنایت به اینکه انتخاب نام نامناسب یا تلفظ اشتباه آن از مصادیق آزار روانی و تحقیر کودکان محسوب می‌شود، پیشنهاد می‌شود ماده زیر به فصل مجازات‌های قانون حمایت اطفال و نوجوانان اضافه شود: «هر کس با انتخاب نام نامناسب یا تلفظ اشتباه و عمدی نام یا نام خانوادگی کودک یا نوجوان یا برگزیدن القاب نامناسب، موجب آزار روانی و تحقیر آن‌ها شود، به مجازات حبس درجه شش قانون مجازات اسلامی محکوم می‌شود.»

منابع

قرآن کریم.

- احمدی، بابک (۱۳۸۹). *ساختار و تأویل متن*. تهران: مرکز نشر.
- اسدی، لیلا سادات (۱۳۸۷). حق کودک بر هویت. *فقه و حقوق خانواده*، ۱۳ (۴۹)، ص ۲۶-۴۶.
- پروین، فرحناز (۱۳۸۹). *سیاست جنایی ایران در حمایت از اسناد سجلی*. تهران: دانشگاه تهران.
- تیموری، هاجر (۱۳۹۶). بررسی مردم‌شناختی علل فرهنگی تغییر نام. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۶). *مقدمه عمومی علم حقوق*. تهران: گنج دانش.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ ق). *تفصیل وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه*. قم: مؤسسه آل‌البیت.
- حلی، علی اصغر (۱۳۶۶). *دانشنامه عمومی*. تهران: مؤسسه پیک ترجمه و نشر.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۶۷). *لغت‌نامه دهخدا*. تهران: دانشگاه تهران.
- سنه‌وری، عبدالرزاق احمد (۱۳۹۱). *مصادر الحق فی الفقه الاسلامی*. تهران: خرسندی.
- صالحی، حمیدرضا؛ اسماعیل‌پور، مانده (۱۳۹۳). تأملاتی در کودک‌آزاری با رویکردی بر قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۸۱. *فقه و حقوق خانواده*، ۱۹ (۶۱)، ص ۱۱۷-۱۴۲.
- صفائی، حسین؛ قاسم‌زاده، مرتضی (۱۳۸۹). *حقوق مدنی اشخاص و مجبورین*. تهران: سمت.
- طهرسی، حسن بن فضل (۱۳۷۰). *مکارم الأخلاق*. قم: الشریف الرضی.
- طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲ ق). *جامع البیان*. بیروت: دار المعرفه.
- طیبی، مرتضی؛ علیان، آزاده؛ راعی، مسعود (۱۳۹۲). سازوکارهای حمایت از حقوق کودک در برابر مجازات و تنبیه از نظر فقه و حقوق. *فقه و حقوق خانواده*، ۱۸ (۵۸)، ص ۸۱-۱۰۶.
- عباسی، عاطفه (۱۳۸۹). بررسی مقایسه‌ای قوانین و مقررات ایران با کنوانسیون حقوق کودک. *فقه و حقوق خانواده*، ۱۵ (۵۳)، ص ۹۶-۱۱۷.
- عمید، حسن (۱۳۷۵). *فرهنگ عمید*. تهران: امیر کبیر.

- قندالی، محمد (۱۳۹۷). *تغییر نام و نام خانودگی اشخاص*. تهران: دانشگاه تهران.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۳). *مبانی حقوق عمومی*. تهران: سمت.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ ق). *الکافی*. تهران: دار الکتب الإسلامية.
- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۴۰۳ ق). *بحار الأنوار*. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- معارف، نجم‌الدین (۱۳۸۹). *بررسی ساختار، وظایف و عملکرد هیأت‌های حل اختلاف ثبت‌احوال*. تهران: دانشگاه تهران.
- معین، محمد (۱۳۸۶). *فرهنگ معین*. تهران: زرین.
- معینی‌فر، محدثه (۱۳۹۱). *بررسی حق کودک بر هویت در اسلام و اسناد بین‌المللی فقه و حقوق خانواده*، ۱۷ (۵۶)، ص ۱۱۷-۱۴۲.
- متقی، علی بن حسام‌الدین (۱۴۰۹ ق). *کنز العمال فی سنن الأقوال والأفعال*. بیروت: مؤسسه الرسالة.
- وفائی‌کیا، هلنا (۱۳۹۰). *موارد رسیدگی قضایی به دعاوی ثبت‌احوال*. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی.
- Alfonseca, K. (2022). Pushback over diversity in the classroom push teachers out of schools. abc News.
- Anita M. FLYNN, Plaintiff, Appellant, v.AK PETERS, LTD., Defendant, Appellee. Nos. 03-1676, 03-2294, 03-2348. (2004).
- Ariz. Rev. Stat. §§ 442–443 (1901).
- Arnold, G. S. (1905). Personal names. *Yale LJ*, 15, 227.
- Brown, C. S., & Chu, H. (2012). Discrimination, ethnic identity, and academic outcomes of mexican immigrant children: the importance of school context. *Child Development*, 83 (5) , 1477–1485.
- Cal. Civ. Proc. Code § 1275 (1872).
- Cal.11Rptr. 2d 763.
- Colo. Gen. Laws § 1851 (1877).
- De La Peña, J. M. (2024). *Why Names Matter: A 'Students' Right to their Name'Professional Development Series* (Doctoral dissertation, California State University, Northridge).
- Dogan, S. L., & Lemley, M. A. (2005). What the right of publicity can learn from trademark law. *Stan. L. Rev.*, 58, 1161.
- Gallo, R. C., Willems, L., & Tagaya, Y. (2017). Time to go back to the original name. *Frontiers in microbiology*, 8, 1800.
- Given, L. M.(2008).*the sage encyclopedia of qualitative Methods*, London.
- Hauptly, 312 N.E.2d 857, 860 (Ind. 1974).
- Haw. Sess. Laws 32 (1860).
- Human Rights Campaign.
- In the matter of petition of mokiligon (2005). N.M.C.A. 21, 106 P.3d 584 (Ct. App. 2005).

- Kushner, J. S. (2009). The right to control one's name. *Ucla L. Rev.*, 57, 313.
- La. Acts; Mass. Gen. 106 (1877).
- Laws. ch. 256, § 1 (1851).
- Luscombe v. Yates (1822) 5Barn & Ald. 544 (K.B).
- Mahmoud Panahi, Seyed Mohammad Reza. (2015).“A Study of Skinner's IntentionalHermeneutic Methodology”, *Research Policy Quarterly*, No. 3.
- Menasce Horowitz, J., Brown, A., & Cox, K. (2019). The role of race and ethnicity in americans’personal lives. Pew Research Center.
- Mich. COMP. LAWS § 711.1 (1).
- Miss. State Bd. of Dental Exam’rs v. Mandell, 21 So. 2d 405, 410 (Miss. 1945).
- MO. Rev. Stat. § (2002) 527/270).
- N.Y. Code CIV. PROC. § 2262 (1895).
- PA. LAWS 822. (1919).
- Peele, C. (2023). Roundup of anti-lgbtq legislation. 75advancing in states across the country.
- Pirone V Macmillan , Inc 894 F.2d 579, 583 (2d Cir. 1990).
- Reconciliationyeg (2022). Reclaiming indigenous names and reconciliation.
- Reynolds, J. D., Bhattacharjee, C., Ingraham, M. E., & Anton, B. M. (2022). Name reclamation for transracial Korean adoptee returnees in the United States and Europe. *Adoption Quarterly*, 25 (4) , 245-282.
- Roe v. Wade, 410 U.S. 113 (1973).
- Rosensaft, supra note 33, at 216.
- Smith v. U.S. Casualty Co., 90N.E. 947-950 (N.Y. 1910).
- Toney v. L'OREAL USA, INC. 406 F. 3d 905 - Court of Appeals, 7th Circuit,(2005).
- Torres-Mackie, N. (2019). Understanding name-based microaggressions an interview with ranjana srinivasan, Ph.D. Psychology Today.
- Totenberg, N & McCammon, S. (2022). Supreme court overturns roe v wade, ending right to abortion upheld for decades. NPR.
- Vivek, A. (2022). Why getting ethnic names right matters. Trinitonian. Retrieved, from <https://trinitonian.com/2022/10/20/why-getting-ethnic-names-right-matters/>
- Zacchini, Appellee, v.scripps-howard broadcasting co., appellant.No-995. (1976).